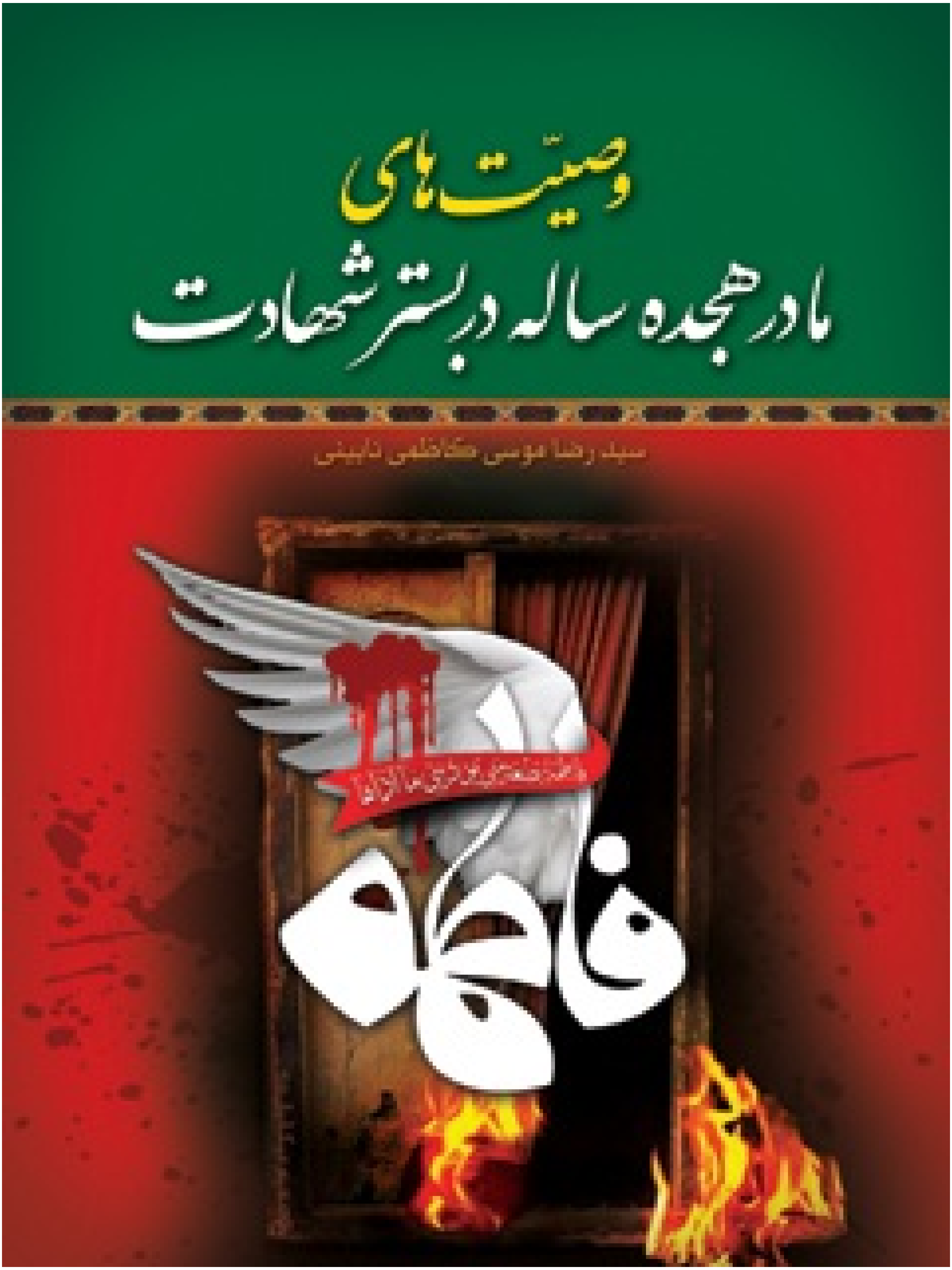

وصیت‌های
مادر هجده ساله در بستر شهادت
سید رضا موسی کاظمی ذابینی
فاطمه

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت های مادر هجده ساله در بستر شهادت

نویسنده:

رضا موسی کاظمی نایینی

ناشر چاپی:

نشر حضرت عباس (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

وصیت های مادر هجده ساله در بستر شهادت

مشخصات کتاب

سرشناسه : کاظمی نایینی، سیدرضاموسی، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور : وصیت های مادر هجده ساله در بستر شهادت/سیدرضاموسی کاظمی(نایینی).

مشخصات نشر : قم: انتشارات حضرت عباس(ع)، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۱۱۲ ص.

شابک : ۰-۳۹-۲۶۱۱-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- وصیتنامه.

موضوع : فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق.

رده بندی کنگره : BP۲۷/۳ /و۶ ک۲ ۱۳۹۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۴۹۴۸۶

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

وصیّتهای مادر هجده ساله

در بستر شهادت

حجت الاسلام دکتر سید رضا موسی کاظمی (نایینی)

بهمن ۱۳۹۴ش ربیع الثانی ۱۴۳۷ق

ص: ۴

شناسنامه

نام کتاب: وصیتهای مادر هجده ساله در بستر شهادت

مؤلّف: سید رضا موسی کاظمی نایینی

ناشر: انتشارات حضرت عباس علیه السلام

نوبت چاپ: اول/ اسفند ۱۳۹۴ – چاپ : نگارش – شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت : ۲۲۰۰ تومان

مرکز پخش:

قم، خ ارم، پاساژ قدس، زیرزمین، پ ۱، انتشارات الغدیر.

تلفن: ۳۷۷۴۸۵۱۵ – تلفکس ۳۷۷۴۷۸۲۴

ص: ۵

تقدیم به پیشگاه:

پدر عزیز سیّده النّساء، حضرت محمّد صلی الله علیه و آله

و اوّل شهیدهٔ راه ولایت، حضرت فاطمه علیهاالسلام

و همسر شهیدش حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام

و یازده فرزند نورانی آن دو عزیز علیهم السلام

ص: ۶

قابل توجه محبّان حضرت زهرا علیهاالسلام

از آنجا که نشر معارف اهلبیت علیهم السلام یکی از راههای تقرب به خدا و اظهار محبت به آن عزیزان خداست، و وصیتهای حضرت زهرا علیهاالسلام از همان معارف ناب و بسیار ارزشمند و دارای مضامین سیاسی و اخلاقی است و هر مسلمان ، خصوصاً هر شیعه ای باید از آن آگاه باشد، بر همه ما لازم است که این سخنان گرانقدر را در حدّ وُسع در سراسر عالم نشر دهیم، تا فریاد مظلومیت آن عزیز را به همه برسانیم .لذا هر کس که بانی خرید و نشر این کتاب گرانقدر (به صورت تعداد) و هدیه آن به مشتاقان باشد، حقیر(مؤلّف کتاب) آماده ام با تخفیف زیاد دراختیار وی گذارم. تلفن تماس :۰۹۱۲۵۵۲۸۹۶۱

ص: ۷

ص: ۸

مقدمه:

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس خداوند متعال را که پروردگار جهانیان است و سلام و صلوات بر سیّد و مولای ما، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهلبیت ایشان، خصوصاً حضرت مهدی و لعنت خداوند بر همهٔ دشمنان ایشان تا روز قیامت.

یکی از اموری که هر مسلمانی باید نسبت به آن اهتمام داشته باشد، وصیت کردن است. اگرچه وصیت مستحب است، ولی گاهی به حد وجوب نیز می رسد و آن جایی است که حق الله و حق الناس بر گردن انسان باشد.

در اهمیت وصیت همین بس که، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که وصیت کرده، بمیرد گویا شهید از دنیا رفته است».(۱)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۵۲.

ص: ۹

و «کسی که وصیت ناکرده از دنیا برود مرگ او چونان مرگ جاهلی است».(۱)

نظر به چنین سفارش و تاکیدی که به ویژه نسبت به پرهیزکاران در این باره وارد است :«کُتِبَ عَلَیْکُمْ... آلْوَصِیَّهُ... حَقّاً عَلَی الْمُتَّقِینَ»(۲) و نیز به دلیل عدم اطلاع انسان از زمان مرگ خویش، سزاوار نیست مسلمان بدون وصیت سر بر بالین خواب گذارد.

معصومین علیهم السلام خود نیز در این امر مهم سرآمد بوده اند.

از جمله این عزیزان خدا، حضرت فاطمه علیهاالسلام می باشد که در آخرین روزهای زندگی چندین وصیت داشته و بر هر شیعه ای لازم است، اطلاع اجمالی از این سخنان گهربار داشته باشد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۵۲.

۲- سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸۰.

ص: ۱۰

و اما آنچه باعث جمع آوری وصیتهای آن حضرت در این مجموعه شد اینکه؛ کتابی که به صورت مستقل، جامعِ این وصایا بوده و در دسترس مشتاقان باشد، یافت نشد.

در این کتاب فقط متن وصایای فردی، سیاسی و مالی حضرت زهرا علیهاالسلام که به صورت کتبی و شفاهی به علی علیه السلام وصیت شده است، همراه با ترجمه آورده می شود. وصیتهایی که تا قیامت، مظلومیت آن پاره تن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را فریاد می کند؛ تا انسانهای باوجدان در سراسر عالم بدانند، در ۷۵ یا ۹۵ روز بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر سر این امانتِ الهی چه آوردند، که به ناچار برای روشن شدن اذهان عمومی چنین وصیتهایی فرمود.

البته شرح و توضیح و تحلیل این وصیتها به اهل آن واگذار می شود.

ص: ۱۱

در پایان از شما خواننده عزیز درخواست عاجزانه دارم، این وصیتها را کلمه به کلمه و با دقت مطالعه کرده و علت چنین وصیتهایی را در کتب مربوط به آن عزیز دنبال کنید.

در پایان از خداوند عزیز و غفار عاجزانه خواستارم که این سعی قلیل را مورد قبول درگاهش قرار داده، شفاعت آن بانوی بهشتی را شامل حال همه شیعیان و محبین آن عزیز و حقیر سراپا تقصیر بفرماید.

وَآخِرُ دَعْوانا اَنِ الْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ الْعالَمِینَ.

ملتمس دعای خیر شما در حیات و ممات

طلبه عُشِّ آل محمد صلی الله علیه و آله «قم»

سید رضا موسی کاظمی نایینی

ربیع الثانی ۱۴۳۷ه .ق.بهمن ۱۳۹۴ه .ش.

شماره همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۸۹۶۱

آدرس سایت:www.mousakazemi.com

پست الکترونیک: etrat۹۲@ymail.com

ص: ۱۲

شناسنامه حضرت فاطمه علیهاالسلام

نام: فاطمه علیهاالسلام – لقب: زهراء علیهاالسلام – کنیه: اُمّ ابیها

پدر: محمّد صلی الله علیه و آله – مادر: خدیجه علیهاالسلام

محل ولادت: مکّه معظّمه

تاریخ ولادت:۲۰ جمادی الثانی، سال ۵ بعثت

تاریخ شهادت: ۱۳ جمادی الاول

یا ۳ جمادی الثانی سال ۱۱ه .ق.

سن: ۱۸ سال – مرقد مطهر: مدینه النبی

علت شهادت: ضربات و صدمات وارده بر آن حضرت

قاتل: حزب شیطان (لعنه الله علیهم)

ص: ۱۳

وصیت های غیر مالی (مکتوب)

(فردی و سیاسی)

مکتوب (وصیتنامه)

ص: ۱۴

وصیت های حضرت فاطمه علیهاالسلام

حضرت فاطمه علیهاالسلام در آخرین روزهای زندگی به خاطر صدمات و ضرباتی که توسط دشمنان بر ایشان وارد شده بود، دائماً بستری و بر غم از دست دادن پدر و بی یاوری امامش گریان بود؛ ایشان چند نوبت وصایای مهم خود را به صورت مکتوب (وصیتنامه) و غیر مکتوب(شفاهی) به اطلاع همسر عزیزش امیرالمؤمنین علیه السلام رسانده، که به دو دسته غیر مالی

(فردی و سیاسی) و مالی تقسیم می شود.

در این مختصر، متن و ترجمه این وصیتها بدون هیچ شرح و توضیحی، جهت اطلاع مسلمانان عالم عموماً و شیعیان جهان خصوصاً خواهد آمد.

ص: ۱۵

۱.وصیت های مکتوب (وصیتنامه)

وصیتنامه حضرت زهرا علیهاالسلام

در باره غسل و کفن و دفن و تشییع

هنگامی که حضرت فاطمه علیهاالسلام از دنیا رفت، علی علیه السلام بسیار بی تابی نمود و گریه و زاری شدیدی کرد. وی امام حسن و امام حسین علیهما السلام را برداشت و با هم وارد اتاقی شدند که جنازه حضرت زهرا علیهاالسلام در آن جا بود؛ امیرالمؤمنین علیه السلام جامه را از روی حضرت فاطمه علیهاالسلام عقب کشید، رقعه ای نزد آن حضرت بود، چون برداشت و قرائت کرد ، دید نوشته است:

ص: ۱۶

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

هذا ما أَوْصَتْ بِهِ

فاطِمَهُ بِنْتُ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله .

أَوْصَتْ وَهِیَ تَشْهَدُ أنْ لاـ إلهَ إلاَّـ اللهُ وَأنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأنَّ الْجَنَّه وَالنّارَ حَقٌّ وَأنَّ السّاعَهَ آتِیَهٌ لا رَیْبَ فیها وَأنَّ اللهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ .

ص: ۱۷

بنام خداوند بخشاینده مهربان

این وصیتنامه فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله است ، وصیت کرد و حال اینکه به یگانگی خدا شهادت می دهد و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول خدا است و اینکه بهشت حق است و دوزخ حق است و در وجود قیامت شک نیست و خدا مردگان را مبعوث می کند.

ص: ۱۸

یـا عَلیُّ أنَـا فـاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ زَوَّجَنی اللهُ مِنْکَ لأکُونَ لَکَ فِی الـدُّنیا وَالاخِرَهِ ، أنْتَ اَوْلی بی مِنْ غَیْری حَنِّطْنی وَغَسِّلْنی وَکَفِّنی بِاللَّیْلِ وَصَلِّ عَلَیَّ وَادْفِنّی بِاللَّیْلِ وَلا تُعْلِمْ أحَداً وَاَسْتَوْدِعُکَ الله وأقْرَأُ عَلی وُلْدیَ السَّلامَ إلی یَوْمِ الْقِیامَهِ.(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۴.

ص: ۱۹

یا علی من فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله هستم که خدا مرا همسر تو قرار داد تا در دنیا و آخرت با هم باشیم و تو از دیگران به من شایسته تر هستی ، مرا شب حنوط کن و غسل بده و کفن کن و در شب بر من نماز گزار و به خاک بسپار و به احدی اطلاع نده ، تو را به خدا می سپارم و به فرزندانم تا روز قیامت سلام می فرستم .

ص: ۲۰

ص: ۲۱

وصیت های غیر مالی (شفاهی)

اشاره

(فردی و سیاسی)

غیر مکتوب (شفاهی)

ص: ۲۲

۲.وصیت های غیر مکتوب(شفاهی)

وصیت یکم

وصیت حضرت فاطمه علیهاالسلام به علی علیه السلام

در باره ازدواج و تشییع جنازه

حضرت زهرا علیهاالسلام هنگامی که احساس کرد که مرگش نزدیک شده امیرالمؤمنین علیه السلام را طلبید . وقتی که علی علیه السلام کنار بستر او حاضر شد خطاب به ایشان فرمود : یَابْنَ عَمَّ إنَّهُ قَدْ نعیتُ إلی نَفسی وَإنَّنی لا أری ما بی إلّا انَّنی لاحِقَهٌ بِأبی ساعَهً بَعْدَ ساعَهٍ ، أنَا اُوصیکَ بِأشْیاءَ فی قَلْبی.

قالَ لَها عَلیٌ علیه السلام اُوصینی بِما أحْبَبْتِ یا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ فَجَلَسَ عِنْدَ رَأسِها وَأخْرَجَ مَنْ کانَ فِی

ص: ۲۳

الْبَیْتِ ثُمَّ قالَتْ: یَابْنَ عَمٍّ ما عَهِدْتَنی کاذِبَهً وَلا خائِنَهً وَلا خالَفْتُکَ مُنْذُ عاشَرْتَنی.»

ای پسر عمو خبر مرگ به من رسیده و آنگونه که درمی یابم پس از اندك زمانی به پدرم ملحق می شوم ، آنچه را در دل دارم به تو وصیّت می کنم . علی علیه السلام فرمود : ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله آنچه دوست داری وصیت کن ، آنگاه علی علیه السلام کنار سر حضرت فاطمه علیهاالسلام نشست و به آنان که در خانه بودند، فرمود بیرون بروند . سپس حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود : ای پسر عمو از روزی که با من زندگی کردی ، از من دروغ و خیانت ندیدی و هیچگاه با تو مخالفت ننمودم .

ص: ۲۴

علی علیه السلام فرمود : نه هرگز ، تو آگاهتر ، و نیکوکارتر و گرامی تر و خوف تو در پیشگاه خدا ، بیشتر از آنست که تو را به عنوان مخالفت از خویش سرزنش کنم ، فراق تو برای من بسیار سخت است ولی چه باید کرد که چاره ای برای مرگ نیست ، سوگند به خدا مصیبت رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر من تازه کردی و فراق و فقدان تو ، بسیار برای من بزرگ و دشوار است . « اِنّا للهِ واِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ » . ما از آنِ خداییم و بسوی او باز می گردیم .

از مصیبتی که بسیار جانکاه و جگر سوز و غم آور است . در این مصیبتی که تسلیت و آرامش ندارد و حادثه جانسوزی است که جبران ناپذیر است .

ص: ۲۵

سپس ساعتی با هم گریه کردند و حضرت علی علیه السلام سر حضرت فاطمه علیهاالسلام را به سینه اش چسبانید و فرمود : « آنچه می خواهی وصیت کن که همانا مرا آنگونه می یابی که به نیکی به وصیت تو عمل کنم و امر تو را بر خود مقدّم می دارم » .

قالَتْ:

جَزاکَ اللهُ عَنّی خَیْرَ الْجَزاءِ یَابْنَ عَمَّ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود :

ای پسرعمو خداوند به تو جزای خیر عنایت فرماید؛ سپس چنین وصیت کرد:

ص: ۲۶

اُوصِیکَ أوَّلاً:

أَنْ تَتَزَوَّجَ بَعْدی أمامَه فَإنَّها تَکُونُ لِوُلْدی مِثْلی فَإنَّ الرِّجالَ لابُدَّ لَهُمْ مِنَ النِّساءِ.

ثُمَّ قالَتْ :

اُوصیکَ یَابْنَ عَمٍّ أنْ تَتَّخِذَ لی نَعْشاً فَقَدْ رَأیْتُ الْمَلائِکَه صَوَّرُوا صُورَتَهُ.

ص: ۲۷

بعد از من با خواهرزاده ام ، اَمامه دختر زینب ازدواج کن ، پس بدرستیکه او برای فرزندانم مانند من است ، پس همانا مردان چاره ای نیست برای ایشان از زنان.(احتیاج به ازدواج دارند)

سپس فرمود وصیت می کنم تو را؛ ای پسر عمو اینکه برایم تابوتی بساز ، پس به تحقیق ملائکه را دیدم که تابوت را برایم توصیف کردند .

ص: ۲۸

ثُمَّ قَالَتْ أُوصِیکَ أَنْ لَا یَشْهَدَ أَحَدٌ جِنَازَتِی مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِینَ ظَلَمُونِی وَ أَخَذُوا حَقِّی فَإِنَّهُمْ أَعْدَائِی وَ أَعْدَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَنْ لَا یُصَلِّیَ عَلَیَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ وَ لَا مِنْ أَتْبَاعِهِمْ وَ ادْفِنِّی فِی اللَّیْلِ إِذَا هَدَأَتِ الْعُیُونُ وَ نَامَتِ الْأَبْصَار.(۱)

۱- روضه الواعظین و بصیره المتعظین؛ ج۱، ص ۱۵۱.

ص: ۲۹

سپس فرمود :

وصیت می کنم تو را ، اینکه هیچیک از کسانی که به من ظلم کردند و حقّ مرا گرفتند بر سر جنازه ام حاضر نباشند ، پس همانا ایشان دشمنان من و دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند ، و مبادا هیچیک از آنها بر من نماز بخوانند و پیروان آنها نیز حاضر نشوند و مرا هنگام شب دفن کن ، وقتیکه چشمها در خواب فرو رفته است .

ص: ۳۰

وصیت دوم

وصیت حضرت در باره

تشییع جنازه کنندگان، زمان دفن و مخفی ماندن قبرش

از امام صادق علیه السلام روایت شده، که حضرت زهرا به علی علیه السلام فرمود:

إِذَا تُوُفِّيتُ لَا تُعْلِمْ أَحداً إِلَّا أَمَّ سَلَمَهَ وَ أَمَّ أَيْمَنَ وَ فِضَّهَ وَ مِنَ الرِّجَالِ ابْنَيَّ وَ الْعَبَّاسَ وَ سَلْمَانَ وَ عَمَّاراً وَ الْمِقْدَادَ وَ أَبَاذَرٍّ وَ حُذَيْفَهَ ... وَ لَا تَدْفِنِّی إِلَّا لَيْلًا؛

ص: ۳۱

وَ لَا تُعْلِمْ أَحَداً قَبْرِی.(۱)

وقتی وفات کردم به هیچ کس اطلاع نده؛ مگر امّ سلمه و امّ ایمن و فضّه [از زنان] و از مردان دو فرزندم [حسن و حسین علیهما السلام]، و عبّاس، سلمان، عمّار، مقداد، اباذر و حذیفه ... و مرا دفن نکن مگر در شب و قبر مرا به هیچ کس اطلاع نده.

۱- دلائل الامامه طبری، ص ۴۴؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۱۰.

ص: ۳۲

وصیت سوم

وصیت حضرت به علی علیه السلام در باره زیارت قبرش

او در لحظه های واپسین زندگی به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: یا اَبَاالْحَسَنِ لَمْ یَبْقَ لِی اِلّا رَمَقٌ مِنَ اَلْحَیاهِ وَ حَانَ زَمانُ الرَّحِیلِ وَالْوِداعِ فَاسْتَمِعْ کَلامِی فَاِنَّکَ لا تَسْمَعُ بَعدَ ذلِکَ صَوْتَ فاطِمَهَ ابَداً اوُصیکَ یَا اَبَاالْحَسَنِ اَنْ لا تَنْسَانِی وَ تَزُورَنی بَعدَ مَمَاتِی.

ص: ۳۳

ای اباالحسن! برای من لحظه ای بیش از زندگانی نمانده است و زمان کوچ و خداحافظی فرارسیده است. سخنان مرا بشنو؛ زیرا پس از این صدای فاطمه را هرگز نخواهی شنید. ای اباالحسن! تو را وصیّت می کنم که مرا فراموش نکنی و پس از وفاتم همواره مرا زیارت کنی. (۱)

۱- کتاب زهره الریاض کوکب الدری، ج۱، ص ۲۵۳.

ص: ۳۴

وصیت چهارم

وصیت حضرت فاطمه علیهاالسلام به علی علیه السلام در باره

تجهیز و بعد از دفن و سفارش نسبت به فرزندان

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: إِنَّ فَاطِمَهَ علیهاالسلام لَمَّا احْتُضِرَتْ أَوْصَتْ عَلِیّاً علیه السلام فَقَالَتْ:

إِذَا أَنَا مِتُّ فَتَوَلَّ أَنْتَ غُسْلِی وَ جَهِّزْنِی وَ صَلِّ عَلَیَّ وَ أَنْزِلْنِی قَبْرِی وَ أَلْحِدْنِی وَ سَوِّ التُّرَابَ عَلَیَّ

ص: ۳۵

امام صادق علیه السلام از پدرانش روایت کرده است؛ حضرت فاطمه علیهاالسلام هنگام احتضار به امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت کرد که :

وقتی از دنیا رفتم، خودت مرا غسل بده و کفن کن و نماز بر جنازه ام بخوان و در قبر بگذار و لحد مرا بچین و خاک بر قبرم بریز؛

ص: ۳۶

وَ اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِی قُبَالَهَ وَجْهِی فَأَکْثِرْ مِنْ تِلَاوَهِ الْقُرْآنِ وَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهَا سَاعَهٌ یَحْتَاجُ الْمَیِّتُ فِیهَا إِلَی أُنْسِ الْأَحْیَاءِ وَ أَنَا أَسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ تَعَالَی وَ أُوصِیکَ فِی وُلْدِی خَیْراً.ثُمَّ ضَمَّتْ إِلَیْهَا أُمَّ کُلْثُومٍ فَقَالَتْ لَهُ : إِذَا بَلَغَتْ فَلَهَا مَا فِی الْمَنْزِلِ ثُمَّ اللَّهُ لَهَا.(۱)

۱- بحارالانوار، ج۷۹، ص ۲۷.

ص: ۳۷

و سپس بالای سر، مقابل صورتم بنشین و بسیار قرآن بخوان و دعا کن ، زیرا آن هنگام ساعتی است که میّت به اُنس با زنده ها نیاز دارد و من تو را به خدا می سپارم و وصیت می کنم که با فرزندانم به نیکی رفتار کنی. سپس دخترش ام کلثوم را به سینه اش چسبانید و به علی علیه السلام فرمود: وقتی که این دختر به حدّ بلوغ رسید، اثاثیه خانه از آن او باشد و خداوند پشتیبان او باشد .

ص: ۳۸

وصیت پنجم

وصیت حضرت فاطمه در باره

ازدواج علی علیه السلام و سفارش نسبت به فرزندان

یَابْنَ عَمِّ إنّی أجِدُ الْمَوْتَ الَّذی لابُدَّ وَلا مَحیصَ عَنْهُ وَأنَا أعْلَمُ أنَّکَ بَعْدی لا تَصْبِرُ عَلی قِلَّهِ التَّزْویجِ فَإنْ أنْتَ تَزَوَّجْتَ إمْرَأهً إجْعَلْ لَها یَوْماً وَلَیْلَهً وَاجْعَلْ

لِاَوْلادی یَوْماً وَلَیْلَهً؛

ص: ۳۹

ای پسر عمو همانا من، مرگ را که چاره ای از آن نیست می یابم و می دانم که بعد از من باید ازدواج کنی، پس اگر ازدواج کردی برای همسرت شبانه روزی را قراردهی و برای فرزندانم نیز شبانه روزی را قرار بده.

ص: ۴۰

یا أبَا الْحَسَنِ وَ لاتُصِحْ فی وُجُوهِهِما فَیُصْبِحانِ یَتیمَیْنِ غَریبَیْنِ مُنْکَسِرَیْنِ فَاِنَّهُما بِالْاَمْسِ فَقَدا جَدَّهُما وَالْیومَ یَفْقِدانِ اُمَّهُما فَالْوَیْلُ لِاُمَّهٍ تَقْتُلُهُما وَتَبْغِضُهُما .(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۸.

ص: ۴۱

ای اباالحسن بر فرزنـدانم فریاد نزنی، چرا که آنها یتیم و غریب و شکسـته دل خواهنـد شد. پس همانا آنها دیروز جدّشان را از دست دادند و امروز مادرشان را از دست می دهند، پس وای بر امّتی که آنها را بکشند و نسبت به آن بغض بورزند.

ص: ۴۲

وصیت ششم

وصیت حضرت فاطمه علیهاالسلام به اَسماء

در باره غسل ایشان

قالَتْ:

یا أسْماء إذا أَنَا مِتُّ فَاغْسِلْنی أنْتِ وَعَلیُّ بْنُ أبی طالب علیه السلام وَلا تُدْخِلْنی عَلَیَّ أحَداً. (۱)

۱- عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۱۰۵۷.

ص: ۴۳

حضرت فاطمه علیهاالسلام به اسما فرمود:

ای اسماء وقتی من از دنیا رفتم تو و علی علیه السلام مرا غسل دهید و هیچ کس را در کنار جنازه من راه ندهید.

ص: ۴۴

وصیت هفتم

وصیت حضرت فاطمه علیهاالسلام به علی علیه السلام

در باره فرزندان و تجهیز حضرت

عن التبر المذاب(۱) ، ذکر فی کتاب العقائد هذا الخبر، فمحصله:

إِنَّهُ لَمَّا اشْتَدَّ الْمَرَض بِسَیِّدَهِ النِّسَاءِ«علیها السّلام» دَخَلَ عَلِیٌّ «علیه السّلام» وَ عِنْدَهَا وَلَدَاها وَ تَحْتَ رَأْسِهَا مُخَدَّهٌ مِنْ جِلْدِ کَبْشٍ وَ فِرَاشُهَا مِنْ وَبَرِ جَمَلٍ وَ لِسَانُهَا، لاتَفْتُرُ عَنْ ذِکْرِ رَبِّهَا.

۱- البته این وصیت غیر مشهور بوده و در کتب روایی معروف نیامده است.

ص: ۴۵

از کتاب تبر المذاب خبری نقل شده است که:

بیماری سَیّده خانمها - حضرت فاطمه علیهاالسلام - شدّت یافت، علی علیه السلام وارد (خانه) شد و دو فرزندش (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) نزد او بودند؛ در حالی که زیر سر آن حضرت بالشتی از پوست گوسفند و بسترش از پشم شتر بود و زبانش از ذکر پروردگارش آرام نمی گرفت.

ص: ۴۶

فَقالَتْ:

یَا ابْنَ عَمِّی وَ یَا بَابَ مَدِینَه عِلْمِ النَّبِیّ وَ یَا زَوْجِی فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ یَا صَاحِبَ السُّلالَهِ الطّاهِرَه، أُوصِیکَ مِنْ بَعْدِی بِحِفْظِ هَذَیْنِ الْوَلَدَیْنِ، فَهُمَا قُرَّتَا عَیْنِ الرَسُولِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْه وَ آلِهِ وَ کَفَاهُمَا مَا لَقِیَاهُ مِنْ فِرَاقِ جَدِّهِمَا

ص: ۴۷

پس عرض کرد: ای پسرعمویم و ای درِ شهر علم پیامبر، و ای همسرم در دنیا و آخرت، و ای صاحب سُلاله پاک؛ به تو وصیت می کنم: نسبت به این دو فرزندم(حسن و حسین علیهما السلام) که آن دو نور چشم رسول صلی الله علیه و آله بوده و برای ایشان بس است، آنچه که به آن رسیده اند از فراق جدشان؛

ص: ۴۸

وَ عَنْ قَرِيبٍ يَفْقِدانِ أَمَّهُما، وَ لا تَمْنَعْهُمَا مِنْ زِيَارَهِ قَبْرِى فَإنَّ قَلْبِى مَعَهُمَا.ثُمَّ اعْلَمْ يَا ابْنَ عَمِّى:

إنِّى رَاضِيَهٌ عَنْكَ، فَهَلْ أنْتَ رَاضٍ عَنّى؟ خَدَمْتُكَ بِقَدْرِ جُهْدِى وَ طَاقَتِى وَ أَعَنْتُكَ عَلَى دُنْيَاكَ مِقْدارَ قُوَّتى؛ طَحَنْتُ الشَّعيرَ بِالنَّهارِ،

ص: ۴۹

و بزودی مادرشان را هم از دست می دهند و آن دو را از زیارت قبرم ممانعت نکن، زیرا که قلب من با آن دو است.

سپس بدان ای پسر عمویم، قطعاً من از تو راضیم، آیا تو هم از من راضی هستی؟ تا توانستم به اندازه توانم به تو خدمت کردم و به اندازه نیرو و قوّتم تو را نسبت به امور دنیایی ات یاری کردم، هنگام روز جو آرد کردم،

ص: ۵۰

وَ اسْتَقَيْتُ بِالْقِرْبَهِ بِاللَّيْلِ، وَ بَعْدَ ذَلِكَ فَإنّى أَعْتَرِفُ بِالتَّقْصِيرِ فِى حَقِّكَ فَسَامِحْنِى، فَإنَّ أَمَامَنَا عَقَبَهٌ لاـ يَقْطَعُهَا إلاالْمُحِقُّونَ(الْمُخَفِّفُونَ).

فَبَکى عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلام وَ قَالَ: يَا بِنْتَ الْمُصْطَفَى وَ يَا سَيِّدَهَ النّساء، رُوحِى لِرُوحِكَ الفِدَاء يَا بِنْتَ البَشِيرِ النَّذِير وَ مَنْ أُرْسِلَ رَحْمَهٌ لِلْعَالَمِينَ. فَلَمّا عَرَفَتِ الرّضَا مِنَ الْمُرْتَضَى قَالَتْ:

ص: ۵۱

و شبانگاه با مشك آب كشيدم و بعد از اين همه، به كوتاهى درحق تو اعتراف مى كنم. پس قطعاً در پيش روى ما گردنه اى است كه جز سبكباران آن را طى نمى كنند.

در این هنگام علی علیه السلام گریه کرد و فرمود: ای دختر مصطفی و ای خانم زنان، جان من فدای جان تو باد. ای دختر بشارت دهنده و بیم دهنده و کسی که به عنوان رحمتی برای جهانیان فرستاده شد.

پس هنگامی که حضرت زهرا علیهاالسلام از خشنودی حضرت مرتضی علیه السلام آگاه شد، عرض کرد:

ص: ۵۲

إذَا فَرَغْتَ مِنْ أمْرِى وَ وَضَعْتَنِى فِى قَبْرِى، فَخُذْ تِلْكَ الْقَارُورَه وَ الْحُقَّهَ وَ ضَعْهُمَا فِى لَحْدِى.

فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلام: يَا سَيِّدَهَ النِّسَاء! مَا الَّذِى فِى هَذِهِ الْقَارُورَهِ؟

قَالَتْ: يَا أبَا الْحَسَنِ، إنّى سَمِعْتُ أبِى يَقُولُ: «إنَّ الدَّمْعَهَ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ؛

ص: ۵۳

هنگامی که از امر (تجهیز) من فارغ شدی و مرا داخل قبر گذاشتی، پس آن شیشه و بسته را بگیر و در قبرم بگذار؛ علی علیه السلام فرمود: چه چیزی داخل این شیشه است؟

حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: ای ابالحسن، از پدرم شنیدم که می فرمود: : اشک ، خشم خداوند را خاموش می کند.

ص: ۵۴

وَ إنَّ الْقَبْرَ لا یَکُونُ رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ إلا أنْ یُکُونَ الْعَبْدُ قَدْ بَکَی مِنْ خِیفَهِ اللّهِ»، وَ قَدْ عَلِمَ الْعَزِیزُ الْجُبّارُ إنّی بَکَیْتُ خَوْفاً بِهَذِهِ الدُّمُوعِ الَّتی فِی الْقَارُورَهِ عِنْدَ الأسْحارِ وُ جَعَلْتُهَا ذَخِیرَهً فِی قَبْرِی، أجِدُهَا یَوْمَ حَشْرِی.

ص: ۵۵

و همانا قبر باغی از باغهای بهشت نخواهد بود، مگر اینکه بنده از خوف خدا گریه کند و خداوند عزیز و جبار می داند که من با این اشکها که در شیشه است، در سحر گاهان از خوف خدا گریه کردم و ذخیره قبرم قرار دادم تا روز حشرم آن را بیابم.

ص: ۵۶

فَبَکَی عَلِیٌّ عَلَیْهِ السَّلام، فَجَعَلَتْ فَاطِمَهُ عَلَیْها السَّلام تَأخُذُ مِنْ دُمُوعِهِ وَ تَمْسَحُ بِهِ وَجْهَهَا، ثُمَّ قَالَتْ:

یَا أبَا الْحَسَن، لَوْ بَکَی مَحْزُونٌ فِی أُمَّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ لَرَحِمَ اللّهُ تَعَالَی تِلْکَ الأُمَّهَ، وَ إنَّکَ لَمَحْزُونٌ- یَا ابْنَ عَمِّی- لِفِرَاقِی؛

ص: ۵۷

پس حضرت علی علیه السلام گریست ، حضرت فاطمه علیهاالسلام از اشکهای آن حضرت گرفته وبر چهره خود کشیده و گفت : ای ابالحسن ! اگر غمگینی در بین امت محمد صلی الله علیه و آله گریه کند، خداوند آن امت را مورد رحم و بخشش خود قرار می دهد. و تو غمگینی در فراق من ای پسر عمو !

ص: ۵۸

وَ دَمْعَهُ الْمَحْزُونَ إذَا وَقَعَتْ عَلَی الأمَّهِ خَصَّهَا اللّهُ بِالرَّحْمَهِ، فَکَیْفَ إذَا وَقَعَتْ عَلَی أُمَّهٍ، وَ قَدْ مَسَحْتُ وَجْهِی بِهَا طَمَعاً لِلرَّحْمَهِ، فَإنّی أمَهُ اللّهِ وَ بِنْتُ رَسُولِ اللّهِ وَ أخَذَتْ بِالْبُکَاء.

فَبَکَی الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ علیهما السلام .

ص: ۵۹

و اشک محزون هنگامی که بر امتی واقع شود، خداونـد آن امت را مخصوص به رحمتش قرار می دهد و من اشک چشم تو را به صورت می کشم تا مشـمول رحمت خدا شوم. من کنیز خدا و دختر رسول خدا صـلی الله علیه و آله هسـتم. و در این هنگام حضرت فاطمه علیهاالسلام شروع به گریه کرد و حسن و حسین علیهما السلام هم گریه کردند.

ص: ۶۰

ثُمَّ سَأَلَهَا عَلِیٌّ علیه السـلام مَا فِی هَـذِهِ الْحُقَّهِ فَفَتَحَهَا فَإِذَا فِیهَا حَرِیرَهٌ خَضْـرَاءُ وَ فِی الْحَرِیرَهِ وَرَقَهٌ بَیْضَاءَ فِیهَا أَسْـطُرٌ مَکْتُوبَهٌ وَ النُّورُ یَلْمَعُ.

قَالَتْ: یَا أَبَا الْحَسَنِ، لَمّا زَوَّجَنی مِنْکَ أَبِی، کَانَ عِنْدِی فِی لَیْلِ الزَّوَاجِ قَمِیصَان: أَحَدُهُمَا جَدِیدٌ وَ الآخَرُ عَتِیقٌ مُرَقَّعٌ.

ص: ۶۱

سپس حضرت علی علیه السلام از حضرت فاطمه علیهاالسلام سؤال کرد: چه چیزی در این بسته است؟

پس علی علیه السـلام آن را بازکرد؛ در آن حریری سبز رنگ بود و در آن حریر سبز، ورقهٔ سـفیدی بود، که در آن چند سـطر نوشته شده بود و نور از آن درخشش داشت.

عرض کرد: ای ابوالحسن، وقتی پـدرم مرا به شـما تزویـج کرد، در شب ازدواج من دو جامه داشـتم که یکی نو و دیگری کهنه بود.

ص: ۶۲

فَبَیْنَمَا أَنَا عَلَی سَجَّادَهٍ إِذْ طَرَّقَ الْبَابَ سَائِلٌ وَ قَالَ:

یَا أَهْلَ بَیْتِ النُّبُوَّهِ وَ مَعْـدِنَ الْخَیْرِ وَ الْفُتُوَّهِ جَرَتْ الْعَادَهُ فِی النَّاسِ یَقْصُدُونَ بُیُوتَ الْأَعْرَاسِ لِأَنَّهَا لَا تَخْلُوا مِنْ الطَّعَامِ لِمَنْ حَضَـرَ مِنْ الْخَاصِّ وَ الْعَامِّ وَ إِنْ کَانَ عِنْدَکُمْ قَمِیصٌ خَلقٌ فَإِنِّی بِهِ جَدِیرٌ لِأَنِّی رَجُلٌ فَقِیرٌ یَا أَهْلَ بَیْتِ مُحَمَّدٍ فَقِیرُکُمْ عَارِی الْجَسَدِ.

ص: ۶۳

و در شب زفاف بر سجادهٔ عبادت خود نشسته بودم که ناگاه سائلی در زد و گفت:

ای اهـل بیت نبوت و منبع خیر و جوانمردی؛ در بین مردم مرسوم است که شب عروسـی به در خـانه های عروس ها می رونـد، چون در آن خانه ها برای هر کسی که از عام و خاص (از مردم) حاضر باشد، غذا حاضر است. اگر جامهٔ کهنهٔ دارید من به آن سزاوارم، چون فقیرم. ای أهل بیت محمد صلی الله علیه و آله فقیرِ شما برهنه است.

ص: ۶۴

فَعَمَدَتْ إِلَى الْقَمِيصِ الْجَدِيدِ فَدَفَعْتُهُ إِلَيْهِ وَ لَبِسْتُ الْقَمِيصَ الْخَلَقَ. قَالَتْ يَا أَبَا الْحَسَنِ! فَلَمَّا أَصْبَحْتُ عِنْدَكَ بِالْقَمِيصِ الْخَلْقِ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلَيَّ فَقَالَ يَا بُنَيَّه أَ لَيْسَ قَدْ كَانَ لَكِ الْقَمِيصُ الْجَدِيد فَلِمَ لاَ تَلْبِسِيه؟

فَقُلْتُ: يَا أَبَتِ تَصَدَّقْتُهَا لِسَائِلٍ

ص: ۶۵

پس قصد کرد لباس نو را، پس من آن جامه نو را به او دادم و خودم لباس کهنه را پوشیدم. ای ابا الحسن نزد تو بودم تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد من آمد و فرمود: فرزندنم، تو جامه نو داشتی، چرا نپوشیدی؟

عرض کردم: پدر جان به سائلی صدقه دادم.

ص: ۶۶

فَقَالَ نِعْمَ مَا فَعَلْتَ وَ لَوْ لَبِسْتِ الْجَدِيدَ لِأَجْلِ بَعْلِكِ وَ تَصَدَّقْتِ بِالْعَتِيقِ لَحَصَلَ لَكِ بِالْحَالَيْنِ التَّوْفِيقُ. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ بِكَ اهْتَدَيْنَا وَ اقْتَدَيْنَا إِنَّكَ لَمَّا تَزَوَّجْتَ بِأُمِّي خَدِيجه وَ أَنْفَقْتَ جَمِيعَ مَا أَعْطَتْكَ فِي طَاعَةِ الْمَوْلَى حَتَّى أَفْضَت بِكَ الْحَالُ إِنْ وَقَفَ بِبَابِكَ بَعْضُ السَّائِلِينَ.

ص: ۶۷

پدرم در جواب فرمود: چه خوب کاری کردی؛ ولی اگر نو را برای شوهرت می پوشیدی و جامهٔ کهنه را می دادی در هر دو صورت برای تو توفیق حاصل بود. من عرض کردم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله ، به واسطه شما هدایت یافتیم و در این عمل اقتدا به شما کردیم.

هنگامی که شما با مادرم خدیجه علیهاالسلام ازدواج کردی و همه آنچه را که به شما داد در راه اطاعت از خدا انفاق کردی تا اینکه سائلی درِ خانه آمد؛

ص: ۶۸

فَأَعْطَيْتَهُ قَمِيصَكَ وَالْتَحَفْتَ بِالْحَصِيرِ حَتَّى نَزَلَ جَبْرَئِيلُ بهذه الآيه: « وَ لا تَبْسُطْها كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُوماً مَحْسُوراً ».(۱)

فَبَكَى النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله ثُمَّ ضَمَّنِي إِلَى صَدْرِهِ فَنَزَلَ جَبْرَئِيلُ وَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يُقْرِؤُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ اقْرَأْ عَلَى فَاطِمَةَ السَّلَامَ

۱- سوره الإسراء، الآیه ۲۹.

ص: ۶۹

و شما پیراهن خود را به سائل دادی و خود را به حصیر پوشاندی؛ تا اینکه حضرت جبرئیل این آیه را آورد:

« وبیش از حد دست خود را مگشا تا مورد سرزنش قرار گیری و تهیدست بنشینی»

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله گریست و مرا به سینهٔ خود چسبانید، پس آنگاه جبرئیل نازل شد و عرض کرد: خداوند به تو سلام می رساند، و می گوید به فاطمه علیهاالسلام سلام برسان،

ص: ۷۰

وَ قُلْ لَهَا تَطْلُبُ مَا شَاءَتْ وَ لَوْ طَلَبَتْ مَا فِی الْخَضْرَاءَ وَ الْغَبْرَاءَ وَ بَشِّرْهَا إِنِّی اُحِبُّهَا.

فَقَالَ لِی بُنَیَّه أَنَّ رَبَّکَ یُسَلِّمُ عَلَیْک وَ یَقُولُ لَک اُطْلُبی مَا شِئْتِ.

فَقُلْتُ: یَا أَبَتَاهْ قَدْ شَغَلَنِی لَذَّهُ خِدْمَتِهِ عَنْ مَسْأَلَتِهِ لا حَاجَه لِی غَیْرُ النَّظَرِ إِلَی وَجْهِهِ الْکَرِیمِ فِی دَارِ السَّلَامِ.

ص: ۷۱

و بگو هرچه می خواهد بخواهد، از آن چه در خضراء و غبراء است [کنایه از این که هر چه بخواهد من به او عطا می کنم] و به او بشارت بده که دوستش دارم.پس پدرم به من فرمود: فرزندم، همانا پروردگارت بر تو سلام می کند و به تو می گوید: هر چه می خواهی، درخواست کن. پس من عرض کردم: پدر جان، لذت خدمت به خدا مرا از درخواستِ حاجت بی نیاز نموده است. و تنها حاجتم نظر به وجه بزرگوار او در دار السلام است.

ص: ۷۲

فَقَالَ: یَا بُنَیَّه اِرْفَعِی یَدَیْکِ؛

فَرَفَعْتُ یَدِی وَ رَفَع یَدَیْهِ

وَ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأُمَّتِی

وَ أَنَا أَقُولُ: آمِینَ.

فَجَاءَ جَبْرَئِیلُ بِرِسَالَهٍ مِنْ الْجَلِیلِ قَدْ غَفَرْتُ لِعُصَاهِ أُمَّتِکَ مِمَّنْ فِی قَلْبِهِ مَحَبَّه فَاطِمَهَ وَ أبیها وَ بَعْلِهَا وَ بَنِیهَا علیهم السلام .

ص: ۷۳

پس پدرم فرمود: فرزندم، دستهایت را بلند کن! چون دستهایم را بلند کردم، ایشان نیز دستهای خود را بلند کرد و فرمود: «پروردگارا امتم را بیامرز» و من نیز آمین گفتم. آنگاه جبرئیل نامه ای از خداوند جلیل آورد که خداوند فرموده: گناهانِ

گنهکاران از امت تو را آمرزیدم؛ آنانکه در قلبشان محبت به فاطمه علیهاالسلام و پدرش و شوهرش و فرزندانش علیهم السلام داشته باشند.

ص: ۷۴

فَقَالَ صلی الله علیه و آله : أُرِیدُ بِذَلِکَ سِجِلًّا فَأَمَرَ اللَّهُ جَبْرَئِیلَ أَنْ یَأْخُذَ سندسهً خَضْرَاءَ وَ سندسهً بَیْضَاءَ وَ کَانَ فِیهِمَا:«کَتَبَ رَبُّکُمْ عَلَی نَفْسِهِ الرَّحْمَهَ» وَ شَهِدَ جَبْرَئِیلُ وَ مِیکَائِیلُ وَ شَهِدَ الرَّسُولُ وَ قَالَ یَا بُنَیَّهِ یَکُونُ هَذَا الْکِتَابُ فِی هَذِهِ الْحُقَّه فَإِذَا کَانَ یَوْمُ وَفَاتِکَ فَعَلَیْکِ بِالْوَصِیَّهِ أَنْ یُوضَعَ فِی لَحْدِکِ؛

ص: ۷۵

پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در این باره نوشته ای می خواهم. در این حال خداوند به جبرئیل امر کرد که بگیرد حریر سبز و حریر سفیدی را که در آن(نوشته شده): «پرودگارتان بر خودش مقرر کرد رحمت را». و جبرئیل و میکائیل و پدرم شاهد شدند و پدرم به من فرمود: فرزندم، این نوشته در این ظرف است. هنگامی که وفات تو فرا رسید، وصیت کن که در قبرت گذاشته شود.

ص: ۷۶

فَإِذَا قَامَ النَّاسُ فِی الْقِیَامَهِ وَ انْقَطَعَ الْمُذْنِبُونَ وَ سَحِبَتْهُمُ الزَّبَانِیَه إِلَی النَّارِ فَسَلِّمِی الْوَدِیعَهَ إِلَیَّ حَتَّی أَطْلُبَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیَّ وَ عَلَیْکِ فَأَنْتِ وَ أَبُوکِ رَحْمَهً لِلْعَالَمِینَ.(۱)

۱- الکوکب الدری: ج۱، ص۲۵۱، عن التبر المذاب، الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء، ج ۱۵، ص ۱۱۴.

ص: ۷۷

پس هنگامی که مردم در قیامت قیام کردند و گنهکاران قطع امید کردند و مأموران دوزخ آنها را به سوی آتش می کشند، پس امانت رابه من برگردان تا طلب کنم آنچه را که خداوند بر من و تو ارزانی کرده است طلب کنم، پس تو و پدرت رحمتی برای جهانیان هستید.

ص: ۷۸

ص: ۷۹

وصیت های مالی

اشاره

ص: ۸۰

ب) وصیت های مالی

چقـدر خوب است، که انسان مؤمن برای زندگی آخرت خویش پس اندازی داشـته باشد و باقیات الصالحاتی باقی گذاشـته تا ثواب آن بعد از مرگ هم به حسابش واریزشده و در این سفر بی پایان به عنوان زاد و توشه از آن بهره گیرد.

حضـرت فـاطمه علیهاالسـلام در روزهـای پس از رحلت رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله ، در مـورد امـوال موقوفه و شخصـی خویش وصایایی داشت و بسیاری از اموالی را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله دریافت کرده بود، وقف کرد.

در اینجا سه وصیت، از وصیتهای مالی آن حضرت ذکر می شود.

ص: ۸۱

وصیت اول

وصیّت حضرت فاطمه علیهاالسلام در باره حیطان سَبعه.(۱)

محمد بن یعقوب بن علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی نجران از عاصم بن حمید از ابی بصیر نقل

می کند که گفت :

۱- حیطان سبعه: باغ های هفت گانه ای بود که اطراف آن دیوار کشـیده شـده بود. در تاریخ آمده است که مخیرق یهودی از احبار یهود بنی نضیر بود که اسلام آورد و در جنگ احد شهید شد. او هفت بوستان و باغش را برای پیامبر صلی الله علیه و آله وصیت کرد که عبارت بودند از دلال، برقه، صافیه، مشیب، مشربه ام ابراهیم، اعواف، حسنی. پیامبر صلی الله علیه و آله در سال هفتم هجری آنهـا را وقف نمود و مخصوص حضـرت فـاطمه علیهـا السـلام قرار داد. حضـرت زهرا سـلام علیهـا السـلام هنگام وفات، آن باغها و تمام در آمد آنها را به علی علیه السلام بخشید.

ص: ۸۲

امـام بـاقر علیه السـلام به من فرمود: آیـا وصـیت حضـرت فـاطمه علیهاالسـلام را برایت بخوانم؟ گفتم: آری. پس جعبه یا سـبد کوچکی را آورد و نوشته ای را از آن خارج کرد و آن را خواند:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

هـذا مـا أوْصَتْ بِهِ فـاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صـلی الله علیه و آله . أوْصَتْ بِحَوائِطِهَا السَّبْعَهِ؛اَلْعَواف وَالـدّلال وَالْبُرْقَه وَالمثیب وَالْحُسْـنی وَالصّافِیَه وَما لِاُمِّ إبْراهیم إلی عَلیِّ بْنِ أبیطالِب علیه السلام

ص: ۸۳

بنام خداوند بخشاینده مهربان

این وصیتی است که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه به آن وصیت نموده است . وصیت کرد به باغهای هفتگانه که عبارتند از : ۱ عَواف ۲ دلال ۳ بُرْقَه ۴ مثیب ۵ حُسنی ۶ صافیه

۷ مَشربه اُمّ ابراهیم (تا وقف باشند)

و تولیت آن را به امیرالمؤمنین علیه السلام واگذار نمودم.

ص: ۸۴

فَإن مَضی عَلیٌّ فَإلَی الْحَسَنِ ، فَإنْ مَضَی الْحَسَنُ فَإلَی الْحُسَیْنُ ، فَإنْ مَضَی الْحُسَیْنُ فَإلَی الاَکْبَرِ مِنْ وُلْدی شَهِدَ اللهُ عَلی ذلِکَ وَالْمِقْدادُ بْنُ الأسْوَدِ وَالزُّبَیْرُ بْنُ الْعَوام وَکَتَبَ عَلیُّ بْنُ أبی طالبٍ . (۱)

۱- کافی، شیخ کلینی، ج۷، ص ۴۸، حدیث ۵؛ بحارالنوار، ج ۴۳، ص ۲۳۵.

ص: ۸۵

و پس از وفاتِ علی علیه السلام وصیت می کنم به فرزندم حسن علیه السلام و پس از او به حسین علیه السلام و پس از او به بزرگترین فرزندانم فرزندان ارشد و خداوند بر این وصیت گواه است و همچنین مقداد و زبیر گواهی می دهند و این وصیت را علی بن ابی طالب علیه السلام نوشت .

ص: ۸۶

وصیت دوم

وصیّت حضرت فاطمه علیهاالسلام در باره أُمُّ العِیال (۱)

حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام ، اُمُّ العیال را نیز وقف فقرا و سادات کرد.

اُمُّ العیال، بیست هزار نخل داشت و میوه هایی چون لیمو و پرتقال و ... در آن کشت می شد. در کتاب های عامه و خاصه در باره این موقوفه حضرت چنین آمده است:

۱- چشمه ای است که به برکت آن روستایی بزرگ در کنارش ساخته شد. این روستا در ۱۷۰ کیلومتری مدینه منوره و ۵۶ کیلومتری شرق «سقیا» قرار دارد.

ص: ۸۷

«أُمُّ الْعِیالُ صَدَقَهُ فاطِمَه بِنْت رَسُولِ الله صلی الله علیه و آله »

ام العیال صدقه فاطمه دختر رسول خداست. حضرت فاطمه علیهاالسلام برای آن هم وصیت نامه خاصی نوشت؛ زیرا این منطقه از اهمیت والا-یی برخوردار بود. اُمُّ العیـال امروز هم دارای چشـمه هـای پر آب و سـرشار است و از منـاطق سـرسبز و ییلاقی به شمار می رود.(۱)

۱- معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث البلادی، ج ۶، ص ۱۹۴.

ص: ۸۸

وصیت سوم

وصیّتنامه مالی دیگری از حضرت فاطمه علیهاالسلام

عن اَبِی جَعْفَر علیه السلام قَالَ:

إنَّ فاطِمَهَ بِنْت رَسُولِ الله صلی الله علیه و آله کَتَبَتْ هَذَا الْکِتَاب

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

هذا ما کَتَبَتْ فاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ فی مالِها إنْ حَدَثَ بِها حادِثٌ تَصَدَّقَتْ بِثَمانینَ أوْقِیَه (۱)

۱- اوقیه، واحد پول است و هر اوقیه چهل درهم است.

ص: ۸۹

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

همانا حضرت فاطمه علیهاالسلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله این نوشته را نوشت.

به نام خداوند بخشاینده مهربان

این است آنچه که فاطمه علیهاالسـلام دختر رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در باره مالش نوشت؛ وقتی که در باره وی اتفاقی افتاد؛(ازدنیا رفت) صدقه می دهد هشتاد اوقیه را؛

ص: ۹۰

تُنْفِقُ عَنْهَا مِنْ ثِمَارِهَا الَّتِی لَهَا کُلَّ عَامٍ فِی کُلِّ رَجَبٍ بَعْدَ نَفَقَهِ السَّقْیِ وَ نَفَقَهِ المغل [الْعَمَلِ] وَ أَنَّهَا أَنْفَقَتْ أَثْمَارَهَا الْعَامَ وَ أَثْمَارَ الْقَمْحِ عَاماً قَابِلًا فِی أَوَانِ غَلَّتِهَا وَ أَنَّمَا أَمَرَتْ لِنِسَاءِ مُحَمَّدٍ أَبِیهَا خمس [خَمْساً] وَ أَرْبَعِینَ أُوقِیَّهً وَ أَمَرَتْ لِفُقَرَاءِ بَنِی هَاشِمٍ وَ بَنِی عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بِخَمْسِینَ أُوقِیَّه.

ص: ۹۱

انفـاق می کنـد آن را از میوه هـایش که برای آنست هر سـال در ماه رجب بعـد از(کسـر) هزینه آبیاری و هزینه کار و اینکه او انفاق کرد میوه های امسال را و ثمرات خوشه ها را در سال آینـده در هنگام بـدست آوردن درآمد آن و اینکه امر کرد نسـبت به (انفـاق به) زنان پـدرش، حضـرت محمـد صـلی الله علیه و آله چهل و پنـج اوقیه و امر کرد نسبت به فقیران بنی هاشم و بنی عبدالمطلب پنجاه اوقیه؛

ص: ۹۲

کَتَبَتْ فِی أَصْلِ مَالِهَا فِی الْمَدِینَهِ أَنَّ عَلِیّاً علیه السـلام سَأَلَهَا أَنْ تُوَلِّیَهُ مَالَهَا فَیَجْمَعَ مَالَهَا إِلَی مَالِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَلَا تُفَرَّقَ وَ تلیه [یَلِیَهِ] مَا دَامَ حَیّاً فَإِذَا حَدَثَ بِهِ حَادِثٌ دَفَعَهُ إِلَی ابْنَیَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ علیهما السلام فَیَلِیَانِهِ وَ إِنِّی دَفَعْتُ إِلَی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ؛

ص: ۹۳

نـوشت در بـاره اصـل مـالش در مـدینه، اینکه علی علیه السـلام درخواست کرد از او، تولیت مـالش را بعهـده بگیرد، پس مـال حضـرت زهرا علیهاالسـلام را با مال رسول خدا صـلی الله علیه و آله جمع کند، سپس جدایی نیندازد و بعهده بگیرد مادامی که زنـده است، پس اگر برای او اتفـاقی افتـاد، آن (اموال) را به دو پسـرانم حسن و حسـین علیهمـا السـلام بپردازد، و تولیت آن را بعهده می گیرند و من به علی بن ابیطالب علیه السلام پرداختم،

ص: ۹۴

عَلَی أَنِّی أُحَلِّلُهُ فِیهِ فَیَدْفَعُ مَالِی وَ مَالَ مُحَمَّدٍ صـلی الله علیه و آله ،لَا یُفَرِّقُ مِنْهُ شَـیْئاً یَقْضِـی عَنِّی مِنْ أَثْمَارِ الْمَالِ مَا أَمَرْتُ بِهِ وَ مَا تَصَدَّقْتُ بِهِ فَإِذَا قَضَی اللَّهُ صَدَقَتَهَا وَ مَا أَمَرْتُ بِهِ فَالْأَمْرُ بِیَدِ اللَّهِ تَعَالَی وَ بِیَدِ عَلِیٍّ یَتَصَدَّقُ وَ یُنْفِقُ حَیْثُ شَاءَ لَا حَرَجَ عَلَیْهِ فَإِذَا حَدَثَ بِهِ حَدَثٌ دَفَعَهُ إِلَی ابْنَیَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ؛

ص: ۹۵

بنابر اینکه من اجازه می دهم به او در مورد (اموال) بپردازد مال من و مال محمـد صـلی الله علیه و آله را؛ جدایی نمی اندازد از آن چیزی را، از طرف من حکم می کنـد در باره ثمرات مال، آنچه را امر کردم به آن و آنچه را صـدقه دادم ،پس هنگامی که

حکم کرد خدا صدقه او را و آنچه را امر کردم به آن، پس کار دست خداوند تعالی است و به دست علی علیه السلام ، هر گونه خواست صدقه می دهد و انفاق می کند، سختی بر او نیست، پس هنگامی که اتفاقی برای او افتاد به دو پسرم حسن و حسین علیهما السلام می پردازد آن را؛

ص: ۹۶

الْمَالَ جَمِيعاً مَالِي وَ مَالَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَيُنْفِقَانِ وَ يَتَصَدَّقَانِ حَيْثُ شَاءَأ وَ لَا حَرَجَ عَلَيْهِمَا وَ إِنَّ لِابْنَهِجُنْدَبٍ يَعْنِي بِنْتَ أَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ التَّابُوتَ الْأَصْغَرَ وَ يُعْطِيهَا فِي الْمَالِ مَا كَانَ وَ نَعْلَيَّ الْأَدَمِيَّيْنِ وَ النَّمَطَ وَ الْجُبَّ وَ السَّرِيرَ وَ الزَّرِبِيَةَ وَ الْقَطِيفَتَيْنِ وَ إِنْ حَدَثَ بِأَحَدٍ مِمَّنْ أَوْصَيْتُ لَهُ قَبْلَ أَنْ يُدْفَعَ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ يُنْفَقُ فِي الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ؛

ص: ۹۷

همه اموال مال من و مال محمد صلی الله علیه و آله است، انفاق می کنند و صدقه می دهند هر گونه که خواستند. وسختی بر آن دو نیست و همانا برای دخترجندب یعنی دختر ابوذر غفاری است آن صندوقچه کوچک و اموالی که در آن است و کفش های چرمی، فرش، لباس، تخت، متکا و رورانداز مخمل؛ و اگر برای یکی از آنهایی که برایشان وصیت کردم، قبل از اینکه مال به او پرداخت شود اتفاقی افتاد، پس انفاق شود به فقرا و مساکین؛

ص: ۹۸

وَ إِنَّ الْأَسْتَارَ لَا يَسْتَتِرُ بِهَا امْرَأَةٌ إِلَّا إِحْدَى ابْنَتَي غَيْرَ إِنَّ عَلِيّاً يَسْتُرُ بِهِنَّ إنْ شاءَ ما لَمْ يَنْكَحْ وَإِنَّ هذا ما كَتَبَتْ فاطِمَةُ فی مالِها وَقَضَتْ فيهِ وَاللهُ شَهيدٌ وَالْمِقْدادُ بنُ الأسْوَدُ والزُّبَيْرُ بْنُ العَوامِ وَعَلِيُّ بْنُ أبی طالبٍ، كَتَبْتُها وَلَيْسَ عَلی عَلِيٍّ حَرَجٌ فيها فِعْلٌ مِنْ مَعْرُوفٍ .(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۴.

ص: ۹۹

و همانا پرده ها را هیچ زنی نباید استفاده کند، مگر یکی از دو دخترم، مگر علی علیه السلام که اگر خواست بوسیله آنها می پوشاند ، مادامی که ازدواج نکرده است؛ و همانا این است آنچه که فاطمه علیهاالسلام در مورد مالش نوشت و حکم کرد در آن و خداوند و مقداد بن اسود و زبیر بن عوام و علی بن ابیطالب علیه السلام گواه هستند.

نوشتم آن را و سختی بر علی علیه السلام نیست در آنچه انجام دهد از هر کار پسندیده ای.

ص: ۱۰۰

ص: ۱۰۱

خاتمه: علّت برخی وصیت ها از زبان حضرت زهرا علیهاالسلام

ص: ۱۰۲

علّت برخی وصیت ها از زبان حضرت زهرا علیهاالسلام

از حضرت زهرا علیهاالسلام نقل شده است که علت برخی از وصیتها را چنین بیان می فرماید:

« لا تُصَلّی عَلَیَّ اُمَّهٌ نَقَضَتْ عَهْدَ اللهِ وَعَهْدَ أبی رَسُولُ الله صلی الله علیه و آله فی أمیرِ المؤمِنینَ علیه السلام وَظَلَمُوا لی حَقّی وَأخَذُوا اِرْثی وَحَرَّقُوا صَحیفَتی الَّتی کَتَبَها لی أبی بِمُلْکِ فَدَک وَکَذَّبُوا شُهُودِی؛

ص: ۱۰۳

اینکه:

آنها امتی بودند که پیمان خدا و پیامبرش را در ولایت و رهبری علی علیه السلام شکستند و نادیده گرفتند .

اینکه: آنها نسبت به حق من ظلم روا داشتند و ارث مرا غاصبانه تصرف کردند و سند مالکیت فدک را از دست من ربودند و به آتش کشیدند .

اینکه: آنها گواهان و شاهدانِ مرا تکذیب کردند،

ص: ۱۰۴

وَهُمْ وَاللهِ جَبْرَئیلُ وَمیکائیلُ وَأمیرُ المؤمِنینَ علیه السلام وَاُمُّ أیْمَنْ ، وُطِّنَتْ عَلَیْهِمْ فی بُیُوتِهِمْ وَأمیرُ المؤمِنینَ یَحْمِلُنی وَمَعی الْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ علیهما السلام لَیْلاً وَنَهاراً إلی مَنازِلِهِمْ وَأذْکُرُهُمْ بِاللهِ وَرَسُولِهِ ألَّا تَظْلِمُونا وَلا تَغْصِبُونا حَقَّنَا الَّذی جَعَلَهُ اللهُ لَنا؛

ص: ۱۰۵

سوگند به خدا که گواهان من حضرت جبرئیل و میکائیل و امیرالمؤمنین علیه السلام و ام ایمن بودند .

اینکه آنها در روز یاری و حمایت از ما ، در خانه های خود خزیدند و دست از یاری ما کشیدند .

و امیرالمؤمنین علی علیه السلام مرا همراه با حسن و حسین علیهما السلام شب و روز برای بیداری امّت غفلت زده به خانه های مهاجر و انصار می برد و من آنهارا نسبت به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و حقوق الهی هشدار می دادم و می گفتم به ما اهلبیت ظلم روا مدارید و حقّ مسلّمی را که خدا به ما بخشیده است غصب نکنید؛

ص: ۱۰۶

فَیُجیبُونا لَیْلاً وَیَقْعُدُونَ عَنْ نُصْرَتِنا نَهاراً، فَجَمَعُوا الْحَطَبَ الْجَزَلَ عَلی بابِنا وَاَتَوْا بِالنّارِ لِیُحَرِّقُوهُ وَیُحَرِّقُونا ... .

فَهذِهِ اُمَّهٌ تُصَلّی عَلَیَّ ؟!» .(۱)

۱- الهدایه الکبری، ص ۱۷۸.

ص: ۱۰۷

پس در تاریکی شب جواب مساعد می دادند که شما را یاری می کنیم ، امّا در روز روشن از یاری ما دست برمی داشتند .پس اینکه به خانه ما هجوم آوردند و با جمع آوری هیزم فراوان و آتش زدن آن خواستند ، خانه را و ما را که در آن بودیم در آتش بسوزانند .

آیا چنین امتی سزاوار است بر من نماز بگزارد ؟ ! !

ص: ۱۰۸

پاسخ علی علیه السلام به اَصبَغِ بنِ نُباته

در باره دفن شبانه حضرت زهرا علیهاالسلام

حضرت علت را در یک جمله کوتاه امّا پر معنی بیان کرده و چنین فرموده است که:

« اِنَّما کانَتْ ساخِطَهً عَلی قَوْمٍ کَرِهَتْ حُضُورَ جِنازَتِها !

وَ حَرَامٌ عَلَی مَنْ یَتَوَلَّاهُمْ أَنْ یُصَلِّیَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ وُلْدِهَا».(۱)

۱- امالی صدوق، ص ۶۵۸.

ص: ۱۰۹

حضرت فاطمه علیهاالسلام از دست گروهی خشمناک بود و از اینکه آنان در تشییع جنازه و دفن او شرکت کنند، کراهت داشت و ناراحت بود !

و بر هر که آنان (دشمنان) را دوست دارد، حرام است بر یکی از اولاد حضرت فاطمه علیهاالسلام نماز بخواند.

ص: ۱۱۰

کتابنامه

۱. قرآن کریم.

۲.ابن بابویه، محمد بن علی،الأمالی(للصدوق)، ناشر: کتابچی؛ تهران، ۱۳۷۶ ش.

۳.بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم، مؤسسه الإمام المهدی«عجّل الله تعالی فرجه الشریف» قم، چ اول، ۱۴۱۳ ق.

۴.خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، ناشر: البلاغ؛ بیروت، ۱۴۱۹ ق.

۵.رشید احمد الکنکوهی، الکوکب الدرّی، جنه العلماء بالهند، ۱۳۹۵.

ص: ۱۱۱

۶.طبری آملی صغیر، محمد بن جریر ، دلائل الإمامه، مؤسسه البعثه، ناشر: بعثت؛ قم،۱۴۱۳.

۷.عاتق بن غیث البلادی، معجم معالم الحجاز.

۸.فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ناشر: انتشارات رضی؛ قم ۱۳۷۵ش

۹.کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ تهران: اسوه.

۱۰.مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ چ۲، لبنان: دار احیاء التراث العربی.

ص: ۱۱۲

دیگر آثار و تألیفات مؤلف:

۱.زیارت عاشورا و ماجرای همسر استاد اشرف آهنگر

۲.مصائب رأسُ الحسین علیه السلام

۳.وصایای چهارده معصوم علیهم السلام (پنج جلدی)

۴.مصائب حضرت زینب علیهاالسلام

۵.خطبه خوانی (روش قرائت هفت خطبه)

۶.تمثیلات تفسیر نور (استاد قرائتی)

۷.خطبه های هفتگانه آزادگان کربلا

۸.مفاتیح الحوائج (۷۵ دعای قرآنی)

۹.ویژگیهای جن از منظر قرآن و عترت علیهم السلام

۱۰.بدزبانی و راههای پیشگیری از آن

۱۱.نرم افزار خطبه خوانی

توجه: جهت تهیه این آثار با تلفن همراه شماره ۰۹۱۲۵۵۲۸۹۶۱ تماس حاصل فرمایید.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ
آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟
سوره زمر/ ۹

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹